

Disclosure of Social Responsibilities, Conservatism, and the Moderating Effect of Management Abilities and Capital Structure¹

Mandana Taheri², Afshin HabibiMoheb³

Received: 2024/09/25

Accepted: 2025/02/19

Research Paper

Abstract

Managers, in line with stakeholder theory, consider the interests of stakeholders in their financial and operational decisions. They prioritize actions that enhance relationships with stakeholders and increase legitimacy. Over recent years, companies have begun publishing corporate social responsibility (CSR) reports, raising concerns about whether these reports truly reflect improved corporate performance or are merely symbolic actions to gain stakeholders' approval. Furthermore, some studies have shown that managers tend to adhere to conservative accounting principles and use CSR disclosures to mitigate the negative impacts of conservatism on investors' expectations. Accordingly, this study aims to examine the effect of CSR disclosure on conservatism, emphasizing the moderating role of managerial ability and capital structure. The temporal scope of this study spans from 2012 to 2022, with a sample of 167 companies listed on the Tehran Stock Exchange. The research hypotheses were tested using multivariate regression models. To achieve this objective, the initial focus was on assessing the impact of CSR disclosure on conservatism. The findings indicate a significant positive relationship between CSR disclosure and conservatism. Additionally, it was revealed that managerial ability and capital structure moderate this relationship. Specifically, in companies with CSR disclosures, managers' capabilities in running the firm lead to more conservative reporting. Conversely, in companies predominantly financed through debt, CSR disclosure is associated with reduced conservatism. This approach allows companies to maintain shareholders' positive attention through enhanced transparency and disclosure of their financial status and performance.

Key Words: Capital Structure, Conservatism, Disclosure of Social Responsibilities, Management Capabilities.

JEL Classification: M4, M41, M38.

1. doi: 10.22034/JSE.2024.12471.2291

2. Associate Professor, Department of Accountin, Faculty of Management and Accounting, Allameh Tabatabaei University, Tehran, Iran. (Corresponding Author). (mandanataheri@atu.ac.ir)

3. M.Sc. Department of Accounting, Faculty of Management and Accounting, Allameh Tabatabaei Accounting, Tehran, Iran. (afshin.habibi.moheb.1377@gmail.com)





سازمان بورس و اوراق بهادار، مرکز پژوهش، توسعه و مطالعات اسلامی

فصلنامه بورس اوراق بهادار، سال هجدهم، شماره ۶۹، بهار ۱۴۰۴، صص ۷۹-۱۱۰

افشای مسئولیت‌های اجتماعی، محافظه‌کاری و اثر تعدیلی توانایی‌های مدیریت و ساختار سرمایه در شرکت‌های عضو بورس اوراق بهادار تهران^۱ ماندانا طاهری^۲، افشین حبیبی‌محب^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۰۱

مقاله پژوهشی

چکیده

مدیران شرکت‌ها در تصمیمات مالی و عملیاتی، منطبق با تئوری ذی‌نفعان، منافع آنان را منظور می‌کنند و اقداماتی که منجر به بهبود روابط آنان با ذینفعان و افزایش مشروعیت می‌شود را افزایش می‌دهند. این مهم در حالی است که طی سال‌های اخیر، شرکت‌ها آغاز به انتشار گزارش‌های مسئولیت اجتماعی شرکتی کرده‌اند و این امر نگرانی‌هایی را در مورد اینکه آیا این گزارش‌ها به واقع نشان‌دهنده بهبود در عملکرد شرکت‌ها است یا تنها اقدامات نمادین برای جلب نظر مثبت ذینفعان است، ایجاد کرده است. افزون بر آن، برخی از پژوهش‌ها نشان داده‌اند که مدیران تمایل دارند که به اصول حسابداری محافظه‌کارانه پایبند باشند و از طریق افشا مسئولیت‌های اجتماعی، تأثیرات منفی محافظه‌کاری بر انتظارات سرمایه‌گذاران را کنترل کنند. بر این اساس، هدف این پژوهش بررسی تأثیر افشای مسئولیت‌های اجتماعی بر محافظه‌کاری با تأکید بر اثر تعدیلی توانایی‌های مدیریت و ساختار سرمایه است. قلمرو زمانی این پژوهش دوره زمانی ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۱ است. نمونه پژوهش شامل ۱۶۷ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران است و فرضیات پژوهش با استفاده از مدل‌های رگرسیونی چندمتغیره، مورد بررسی و آزمون قرار گرفت. برای دستیابی به این هدف ابتدا تأثیر افشای مسئولیت اجتماعی بر محافظه‌کاری مورد بررسی قرار گرفت. نتایج پژوهش بیانگر رابطه مثبت و معنادار بین افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی و محافظه‌کاری است. همچنین مشخص شد که توانایی‌های مدیریت و ساختار سرمایه بر این رابطه اثر تعدیلگر دارد. به عبارتی، توانمندی مدیران در اداره شرکت در شرکت‌هایی که افشای مسئولیت‌های اجتماعی داشتند، منجر به گزارشگری محافظه‌کارانه‌تر شده است. همچنین، در شرکت‌هایی که تأمین مالی به طور عمده از محل بدهی‌ها انجام می‌شود، شرکت‌ها با افشای مسئولیت‌های اجتماعی، تمایل به محافظه‌کاری کمتر داشته‌اند تا از طریق شفافیت و افشای بیشتر از وضعیت و عملکرد شرکت، توجه مثبت سهامداران به شرکت را حفظ کنند.

واژه‌های کلیدی: افشای مسئولیت‌های اجتماعی، توانایی‌های مدیریت، ساختار سرمایه، محافظه‌کاری.

طبقه‌بندی موضوعی: M4, M41, M38.

doi: 10.22034/JSE.2024.12471.2291

۲. دانشیار، گروه حسابداری، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).
(mandanataheri@atu.ac.ir)

۳. فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد، گروه حسابداری، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.
(afshin.habibi.moheb.1377@gmail.com)

حق انتشار این مستند متعلق به نویسندگان آن است. © ۱۴۰۴. ناشر این مقاله، سازمان بورس و اوراق بهادار است.

این مقاله تحت گواهی زیر منتشرشده و هر نوع استفاده غیرتجاری از آن مشروط بر استناد صحیح به مقاله

و با رعایت شرایط مندرج در آدرس زیر مجاز است.

Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International license

(https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/)



مقدمه

در سال‌های اخیر، شرکت‌های زیادی آغاز به انتشار گزارش‌های مسئولیت اجتماعی شرکتی کرده‌اند و این امر نگرانی‌هایی را در مورد اینکه آیا این گزارش‌ها واقعاً نشان‌دهنده بهبود در عملکرد شرکت‌ها است یا تنها اقدامات نمادین برای جلب‌نظر مثبت ذینفعان است، ایجاد کرده است. براساس تئوری ذینفعان شرکت‌ها باید در تصمیم‌گیری‌های خود، منافع تمامی ذینفعان را در نظر بگیرند. همچنین کیفیت سودآوری که معیار سنجش محافظه‌کاری در گزارش‌های مالی است، باید با اقداماتی که شرکت‌ها برای بهبود روابط خود با ذینفعان و افزایش مشروعیت انجام می‌دهند، افزایش یابد. بر این اساس، چنگ و کونگ^۱ (۲۰۱۶) بیان می‌کنند که افشای مسئولیت اجتماعی یک مکانیسم افزایشدهنده محافظه‌کاری در شرکت‌ها است. گارانینا و کیم^۲ (۲۰۲۳) بیان می‌کنند که محافظه‌کاری حسابداری و افشای مسئولیت اجتماعی شرکتی می‌تواند به بهبود کیفیت گزارشگری مالی کمک کند. به عبارتی، شرکت‌هایی که در فعالیتهای زیست‌محیطی و اجتماعی مشارکت دارند، بیشتر مدیران را از درگیر شدن در فعالیت‌هایی که با انتظارات ذینفعان در تضاد است و مشروعیت را تضعیف می‌کند، باز می‌دارند. این موضوع می‌تواند منجر به کاهش دستکاری مالی و بهبود کیفیت گزارشگری مالی شود. همچنین، در پژوهش‌های داخلی نیز، ریگی‌لادز و بذرافشان (۱۴۰۲) و نوراله‌زاده، تشکر و قنبری‌تفرشی (۱۴۰۰) با بررسی رابطه بین محافظه‌کاری حسابداری و مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها رابطه مثبت و معناداری را تأیید نموده‌اند. از سوی دیگر، الدروسی، الباز و قالی^۳ (۲۰۲۲) و هایدر، سینگ و سلطانا^۴ (۲۰۲۱) بیان می‌کنند که توانایی مدیریت یک عامل اثرگذار بر این رابطه است.

آن‌ها بیان می‌کنند که مدیران توانمند، ممکن است از محافظه‌کاری حسابداری استفاده کنند تا از گزارش‌های مالی بیش‌ازحد محافظه‌کارانه جلوگیری کنند. به عبارتی، مدیران با توانایی بالا تمایل بیشتری دارند که به اصول حسابداری محافظه‌کارانه پایبند باشند. این امر به این دلیل است که آن‌ها بهتر می‌توانند ریسک‌های مرتبط با گزارشگری مالی را ارزیابی کنند و تصمیمات آگاهانه‌تری در مورد چگونگی گزارشگری شرکت بگیرند. افزون بر آن، مدیران با توانایی بالا به مسئولیت اجتماعی شرکتی اهمیت بیشتری می‌دهند. این امر به این دلیل است که آن‌ها بهتر

1. Cheng, C.L.; & Kung, F.H.

2. Garanina, T.; & Kim, O.

3. Aldoseri, M.M.; Albaz, M.M.; & Ghali, A.A.

4. Haider, I; Singh, H; & Sultana, N.

می‌توانند تأثیرات اجتماعی و زیست‌محیطی فعالیت‌های شرکت را درک کنند و تصمیمات تجاری بگیرند که منافع بلندمدت شرکت و جامعه را مدنظر قرار دهند. در نتیجه، مدیران با توانایی بالا ممکن است تمایل بیشتری داشته باشند که اطلاعات مربوط به مسئولیت اجتماعی شرکتی را افشا و از رویه‌های حسابداری محافظه‌کارانه برای ارائه تصویری دقیق و منصفانه از عملکرد شرکت استفاده کنند. از سوی دیگر، آتوا^۱ و همکاران (۲۰۲۲) و یوسناینی و تارمیزی^۲ (۲۰۱۹) بیان می‌کنند که ساختار سرمایه شرکت‌ها نیز بر این رابطه، اثرگذار است. هدف اصلی مفهوم ساختار سرمایه، به حداکثر رساندن ارزش شرکت با حداقل کردن هزینه سرمایه است. نظریه اهرمی روابط قراردادی^۳ هانگ، دانگ و تران^۴ (۲۰۲۰) بیان می‌کند که اهرم مالی می‌تواند بر رفتار مدیران و تصمیمات سرمایه‌گذاری آن‌ها تأثیر بگذارد. این نظریه همچنین، بیان می‌کند که اهرم مالی می‌تواند بر محافظه‌کاری حسابداری تأثیر بگذارد. محافظه‌کاری حسابداری به‌ویژه در کشورهای درحال توسعه از اهمیت چشمگیری برخوردار است. این به این دلیل است که بازارهای سرمایه در کشورهای درحال توسعه اغلب کمتر توسعه یافته‌اند، بنابراین اطلاعات حسابداری نقش بسیار مهمی در فرآیند تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران ایفا می‌کند. محافظه‌کاری حسابداری می‌تواند به افزایش اعتماد سرمایه‌گذاران به صورت‌های مالی شرکت‌ها کمک کند (هانگ و همکاران، ۲۰۲۰). شرکت‌هایی که نسبت بدهی بالاتری دارند، ممکن است تمایل بیشتری به افشای مسئولیت اجتماعی داشته باشند. این امر به این دلیل است که این شرکت‌ها به‌دنبال کاهش ریسک خود هستند و افشای مسئولیت اجتماعی می‌تواند به آن‌ها در این امر کمک کند (دو، هانگ و لو^۵، ۲۰۲۳). در مقابل، شرکت‌هایی که نسبت حقوق صاحبان سهام بالاتری دارند، ممکن است تمایل کمتری به افشای مسئولیت اجتماعی داشته باشند. این امر به این دلیل است که این شرکت‌ها از نظر مالی پایدارتر هستند و در معرض ریسک کمتری قرار دارند. بنابراین، آن‌ها ممکن است نیاز کمتری به افشای مسئولیت اجتماعی برای کاهش ریسک خود داشته باشند (نور^۶ و همکاران، ۲۰۲۱). بنابراین، در این پژوهش با تأکید بر رابطه بین

1. Atwa

2. Yusnaini, A. M; & Tarmizi, H. B.

3. leverage theory of contractual relationships

4. Hung, D.N; & Dang, N.H.; Tran, M.D.

5. Do, T.K; Huang, H.H; & Lo, T-C.

6. Noor, A. & et al.

محافظه‌کاری و افشای مسئولیت‌های اجتماعی شرکت‌ها که در پژوهش‌های پیشین نیز بررسی شده است، بر اثر تعدیلی توانایی مدیریت و ساختار سرمایه بر این رابطه پرداخته شده است. اهمیت این پژوهش از آن نظر است که شیوه‌های مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها مزایای زیادی برای شرکت‌ها و ذینفعان دارد از جمله تقویت مشارکت ذینفعان (اکلس، ایوانو و سرافیم^۱، ۲۰۱۲)، کاهش هزینه‌های نمایندگی (جونز^۲، ۱۹۹۵) و افزایش عملکرد شرکت (البتار و همکاران^۳، ۲۰۱۹) است. همچنین، افشای مسئولیت اجتماعی ابزاری مهم برای کاهش عدم‌تقارن اطلاعاتی در بازار است (بوس و همکاران^۴، ۲۰۱۷) و چشم‌اندازهای بلندمدت شرکت‌ها را نشان می‌دهد (چنگ، ایوانو و سرافیم^۵، ۲۰۱۴). افزون بر این، با افزایش توانایی نوآوری (رکسپهی^۶ و همکاران، ۲۰۱۳؛ و مارتینز-کنسا، سوتو-آکوستا و پالاسیوس-مانزانو^۷، ۲۰۱۷)، جذب کارکنان با کیفیت بالاتر (جونز^۸ و همکاران، ۲۰۱۳) و کاهش ریسک اطلاعاتی که دارندگان بدهی عمومی ممکن است با آن روبرو شوند و همچنین به حداقل رساندن هزینه‌های صدور بدهی عمومی و ایجاد مزایای رقابتی ایجاد (تان و همکاران^۹، ۲۰۲۰). بنابراین، عملکرد افشای مسئولیت اجتماعی تا حدودی با شفافیت مالی شرکت‌ها مرتبط بوده است و افزون بر آن به‌عنوان بخشی از فرهنگ شرکتی تلقی می‌شود. شرکت‌هایی که به افشای مسئولیت اجتماعی خود اهمیت می‌دهند، تمایل دارند که به شیوه‌هایی عمل کنند که برای همه ذینفعان آن‌ها، از جمله سرمایه‌گذاران، مفید باشد. این شرکت‌ها همچنین تمایل دارند که از گزارشگری حسابداری محافظه کارانه استفاده کنند که می‌تواند به سرمایه‌گذاران در تصمیم‌گیری‌های خود کمک کند. به‌طور کلی، گزارشگری مالی محافظه کارانه با ارتقای منافع ذینفعان مالی شرکت سازگار است، زیرا این رویکرد کاهنده عدم‌تقارن اطلاعاتی بین افراد داخلی و خارجی می‌باشد، به هم‌راستا شدن منافع مدیریت و تأمین‌کنندگان بدهی و سرمایه کمک می‌کند، مشکلات نمایندگی را با کمک به بهینه‌سازی قیمت‌گذاری جبران

1. Eccles, R.G; Ioannou, I; & Serafeim, G.

2. Jones

3. Albitar, K; & et al.

4. Bose, S; & et al.

5. Cheng, B; Ioannou, I; & Serafeim, G.

6. Rexhepi

7. Martinez-Conesa, I; Soto-Acosta, P; & Palacios-Manzano, M.

8. Jones, D.A; Willness, C.R; & Madey, S.

9. Tan, W; & et al.

خسارت مدیران به حداقل می‌رساند و کارآیی سرمایه‌گذاری را افزایش می‌دهد (آناگنوستوپولو، تیسکرکوس و ولگاریس^۱، ۲۰۲۰). اهمیت افشا مسئولیت‌های اجتماعی شرکت‌ها در حالی است که توانایی مدیریتی و ساختار سرمایه از عوامل مهمی هستند که می‌توانند تعادل بین افشای مسئولیت اجتماعی و محافظه‌کاری را از بین ببرد. مدیران با توانایی مدیریتی بالا تمایل دارند که از اطلاعات کامل و دقیق برای تصمیم‌گیری استفاده کنند. ضرورت این موضوع آن است که آن‌ها به شرکت‌ها کمک نمایند تا از مزایای افشای مسئولیت اجتماعی و محافظه‌کاری بهره‌مند شوند. افزایش سطح افشای مسئولیت اجتماعی در شرکت‌هایی با ساختار سرمایه متوازن (نسبت بدهی و حقوق صاحبان سهام نزدیک به هم) باعث استفاده از گزارشگری محافظه‌کارانه می‌شود. افشای مسئولیت اجتماعی می‌تواند به این شرکت‌ها در ایجاد اعتماد و اطمینان در بین سرمایه‌گذاران و افزایش کیفیت گزارشگری، کمک کند. به بیان دیگر، پژوهش حاضر می‌تواند با کاهش ابهام در خصوص محافظه‌کاری شرکت‌ها، به افزایش شفافیت و کارآیی بازار سرمایه کمک کند. افزون بر این، این پژوهش با ارائه اطلاعات جدید در زمینه افشا مسئولیت اجتماعی، محافظه‌کاری، توانایی مدیریت و ساختار سرمایه به غنای ادبیات موضوع می‌افزاید و توجه به آن‌ها می‌تواند منجر به ارتقای عملکرد شرکت‌ها و بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی جامعه شود.

مبانی نظری

محافظه‌کاری حسابداری به عنوان تمایل به اعمال سطح تعهد بالاتری برای دانستن اطلاعات خوب به عنوان سود نسبت به دانستن اطلاعات بد به عنوان زیان، نشان‌دهنده اهمیت و تأثیر این اصل در حسابداری است. محافظه‌کاری حسابداری باعث افزایش قابلیت اطمینان و صداقت در گزارش‌های مالی می‌شود و از ریسک‌های مرتبط با گزارشگری مالی کاسته و به تصمیم‌گیری بهتر ذینفعان کمک می‌کند. بر این اساس، محافظه‌کاری به کاهش عدم‌تقارن اطلاعاتی بین کارکنان شرکت و افراد خارجی و همچنین کاهش هزینه‌های نمایندگی کمک می‌کند. از این رو، نظارت مؤثر بر مدیریت توسط تأمین‌کنندگان سرمایه را ترویج می‌کند. از سوی دیگر، محافظه‌کاری حسابداری برای اجرای قراردادهای بدهی نیز مؤثر است (لافوند و واتس^۲، ۲۰۰۸؛

1. Anagnostopoulou, S.C.; Tsekrekos, A.E.; & Voulgaris, G.

2. LaFond, R; & Watts, R.L.

داناوان، فرانکل و مارتین^۱، ۲۰۱۵؛ بیدل^۲ و همکاران، ۲۰۲۲). شواهد نشان می‌دهد که محافظه‌کاری حسابداری عدم‌تقارن اطلاعاتی را کاهش داده و در نتیجه واکنش‌های منفی بازار به رویدادهای نامطلوب را تضعیف می‌کند (فرانسیس و همکاران^۳، ۲۰۱۳). افزون بر این، شواهد دیگری وجود دارد که محافظه‌کاری حسابداری به کاهش هزینه‌های سرمایه (اوسما، گارسیا-لارا و پنالوا^۴، ۲۰۱۱)، کاهش ریسک قیمت سهام (آندریو و همکاران^۵، ۲۰۱۷) و ارائه اطلاعات مفید و با کیفیت به سهامداران منجر می‌شود (روچ و تیلور^۶، ۲۰۱۵). با این حال، برخی مطالعات نشان می‌دهند که گزارشگری محافظه‌کارانه برای مدیریت هزینه‌بر است (بنیش و پرس^۷، ۱۹۹۳؛ احمد و همکاران^۸، ۲۰۰۲؛ ژانگ^۹، ۲۰۰۸؛ پنالوا و واگنهوفر^{۱۰}، ۲۰۱۹). بورک، چن و لوبو^{۱۱} (۲۰۲۰) نشان دادند که عملیات افشای مسئولیت‌های اجتماعی، محافظه‌کاری را کاهش می‌دهد. آن‌ها فرض کردند که فعالیت‌های مرتبط با افشای مسئولیت اجتماعی به دو دلیل به محافظه‌کاری بستگی دارند. اولاً، یک شرکت با عملکرد بهتر در افشای مسئولیت اجتماعی ممکن است در رفتار با سهامداران فرصت‌طلبانه عمل کند و منجر به کاهش تقاضا برای محافظه‌کاری از طرف قراردادها شود. دوماً، افشای مسئولیت اجتماعی به بهبود محیط اطلاعاتی شرکت کمک می‌کند و در نتیجه عدم‌تقارن اطلاعاتی را کاهش داده که این مهم تقاضا برای محافظه‌کاری را افزایش می‌دهد.

افشای مسئولیت‌های اجتماعی شامل منافع تمامی ذینفعان شرکت است و این نشان‌دهنده مزایای واضح تعهد به گزارشگری محافظه‌کارانه از طریق مدیران است (صالحی و همکاران^{۱۲}، ۲۰۲۰). شایان بیان است از نظر کیفیت گزارشگری مالی، محافظه‌کاری به شرکت‌ها کمک می‌کند تا در اجرای افشای مسئولیت اجتماعی شفاف باشند و به این ترتیب منافع تمامی ذینفعان را رعایت کنند. این استدلال از طریق نظریه ذینفعان قابل توجیه است. برپایه نظریه ذینفعان،

1. Donovan, J; Frankel, R.M; & Martin, X.

2. Biddle

3. Francis, R; & et al.

4. Osma, B.G; Garcia-Lara, J.M; & Penalva, F.

5. Andreou, P.C; & et al.

6. Ruch, G.W; & Taylor, G.

7. Beneish and Press

8. Ahmed, A.S; & et al.

9. Zhang, J.

10. Penalva, F; & Wagenhofer, A.

11. Burke, Q.L; Chen, P-C; & Lobo, G.J.

12. Salehi, M; & et al.

مدیران تعهدات اخلاقی دارند تا به منافع ذینفعان مختلف خدمت کنند (فریمن^۱، ۲۰۱۰؛ چن و همکاران^۲، ۲۰۱۷). این امر شرکت‌ها را وادار می‌کند تا از محافظه‌کاری حسابداری برای کاهش عدم‌تقارن اطلاعاتی بین ذینفعان مختلف استفاده کنند. از سوی دیگر، طبق نظریه نمایندگی، مدیران ممکن است از مسئولیت اجتماعی برای پیشبرد اهداف شخصی خود یا پوشش تأثیر رفتارهای فرصت‌طلبانه استفاده کنند (جنسن^۳، ۲۰۰۱؛ بن-عمار و بلگاسم^۴، ۲۰۱۸). در این صورت، می‌توان گفت که تقاضا برای گزارشگری محافظه‌کارانه کاهش می‌یابد. بر این اساس، رابطه بین محافظه‌کاری و افشای مسئولیت‌های اجتماعی در شرکت‌ها مورد توجه این پژوهش قرار گرفته است و فرضیه اول پژوهش عبارتست از:

فرضیه اول. بین افشای مسئولیت‌های اجتماعی و محافظه‌کاری رابطه معناداری وجود دارد.

از سوی دیگر، مدیران با توانایی بالا ممکن است با استفاده از محافظه‌کاری حسابداری از گزارش درآمدهای افزایشی خودداری کنند و به‌جای آن، اعداد حسابداری واقعی را به‌طور صادقانه گزارش دهند. این روش می‌تواند به حفظ شفافیت و کاهش ریسک‌های احتمالی برای دارندگان اوراق قرضه و سایر ذینفعان کمک کند و از دعوی قضایی و پیامدهای منفی برای شهرت مدیران جلوگیری کند (هایدر و همکاران، ۲۰۲۱). در نتیجه، این مدیران ممکن است تمایل بیشتری به افشای بیشتر مسئولیت اجتماعی داشته باشند تا شهرت خود را به‌عنوان مدیرانی با عملکرد شفاف و قابل‌اعتماد تقویت کنند. همچنین، مدیران با توانایی بالا ممکن است از مهارت‌ها و تخصص خود برای گزارش اعداد حسابداری افزایشی استفاده کنند. این روش می‌تواند منجر به عملکرد بالاتر شرکت و افزایش جبران خدمات شخصی مدیران شود. در این سناریو، مدیران ممکن است به افشای مسئولیت اجتماعی به‌عنوان ابزاری برای بهبود تصویر عمومی شرکت و جذب سرمایه‌گذاران استفاده کنند، حتی اگر به‌طور همزمان از محافظه‌کاری حسابداری اجتناب کنند (هایدر و همکاران، ۲۰۲۱). به‌عبارتی، مدیران با توانایی بالا می‌توانند انتخاب کنند که سطوح بالاتری از محافظه‌کاری حسابداری را گزارش دهند. این مدیران با

1. Freeman

2. Chen, Y; & et al.

3. Jensen, M.

4. Ben-Amar, W; & Belgacem, I.

استفاده از مهارت‌ها و تخصص خود، می‌توانند زیان‌های اقتصادی را به موقع در صورت‌های مالی لحاظ کنند و با قراردادهای شرکت به‌طور کارآمد برخورد کنند. در این حالت، افشای مسئولیت اجتماعی می‌تواند به‌عنوان بخشی از استراتژی کلی مدیران برای بهبود شفافیت و تقویت شهرت شرکت مورد استفاده قرار گیرد. این مدیران ممکن است از محافظه‌کاری برای کاهش بدهی مالیاتی و بهبود کارآیی مالی شرکت استفاده کنند (میشرا^۱، ۲۰۱۴). فعالیت‌های افشای مسئولیت اجتماعی مانند روش‌های دوستدار محیط‌زیست، مشارکت در جامعه و عملیات تجاری اخلاقی می‌تواند شهرت شرکت را بهبود بخشد و تعامل ذی‌نفعان را افزایش دهد. مدیر ماهری که استراتژی‌های افشای مسئولیت اجتماعی را به‌خوبی اجرا و به اشتراک می‌گذارد، می‌تواند شهرت شرکت را تقویت کرده و روابط قوی‌تری با ذی‌نفعان برقرار کند (موری^۲، ۲۰۲۲). بنابراین، مدیران با توانایی بالا ممکن است تمایل بیشتری داشته باشند تا اطلاعات مربوط به مسئولیت اجتماعی شرکتی را افشا کنند و از رویه‌های حسابداری محافظه‌کارانه برای ارائه تصویر دقیق و منصفانه‌ای از عملکرد شرکت استفاده کنند. بر این اساس، فرضیه دوم پژوهش عبارتست از:

فرضیه دوم. توانایی مدیریتی رابطه بین افشای مسئولیت اجتماعی و محافظه‌کاری را تعدیل می‌کند.

در نهایت، وقتی که یک شرکت برای عملیات خود از تسهیلات یا منابع مالی استفاده می‌کند تا در آینده سود کسب کند، این به‌معنای استفاده از بدهی برای تحقق اهداف مالی است. نسبت سرمایه‌گذاری به بدهی نشان‌دهنده این است که چقدر از دارایی‌ها و منابع شرکت با استفاده از بدهی به‌جای حقوق صاحبان سهام تأمین شده است. این نسبت نشانگر استفاده از بدهی به‌جای سرمایه‌گذاری‌های خودی شرکت است و میزان ریسک مالی و مالکیتی در ساختار مالی شرکت را نشان می‌دهد. هرچه این نسبت بیشتر باشد، احتمالاً سودآوری شرکت افزایش یابد. در زمینه استفاده از بدهی، مدیران نقش بسیار مهمی در ارزیابی هوشمندانه روش‌های مدیریت خود در مواجهه با شرکت‌هایی که با سطوح بالای مسئولیت روبه‌رو هستند، دارند. در این موارد، رعایت اصول حسابداری محافظه‌کارانه برای مدیریت مؤثر بسیار ضروری است (پورناماساری و تاشیا^۳،

1. Mishra, D.R.

2. Maury, B.

3. Purnamasari, D.I; & Tashya, A.

۲۰۲۳). از سوی دیگر، افشای مسئولیت اجتماعی می‌تواند شامل گزارش‌دهی درباره فعالیت‌های محیط‌زیستی، اجتماعی و حاکمیت شرکتی باشد که نشان‌دهنده تعهد شرکت به پایداری و اخلاقیات کسب‌وکار است. برای شرکت‌هایی با نسبت بدهی بالاتر، این افشاگری‌ها می‌تواند به بهبود اعتبار و اعتماد عمومی کمک کند و در نتیجه ریسک‌های مرتبط با بدهی‌های بالا را کاهش دهد. اما شرکت‌هایی با نسبت حقوق صاحبان سهام بالاتر که از نظر مالی در وضعیت بهتری هستند، ممکن است نیازی به این اقدامات نداشته باشند، چون در معرض خطرات مالی کمتری هستند و می‌توانند از اعتماد و پایداری مالی موجود خود بهره‌برداری کنند. همچنین، این شرکت‌ها ممکن است بر روی پروژه‌ها و سرمایه‌گذاری‌های دیگر تمرکز کنند که مستقیم‌تر به سودآوری و رشد اقتصادی آن‌ها کمک می‌کند. افزون بر آن منابع و توجه مدیریتی کمتری به فعالیت‌های غیرمالی اختصاص می‌دهند، زیرا از قبل در موقعیت قدرتمندتری برای جذب سرمایه‌گذاران و تأمین منابع مالی جدید قرار دارند (نور و همکاران^۱، ۲۰۲۱). بر این اساس، فرضیه سوم پژوهش عبارتست از:

فرضیه سوم. ساختار سرمایه رابطه بین افشای مسئولیت اجتماعی و محافظه کاری را تعدیل می‌کند.

توسعه فرضیه‌ها

بحری‌ثالث و فرخی (۱۴۰۲) در پژوهشی به بررسی رابطه بین محافظه‌کاری مشروط و مسئولیت اجتماعی، پرداختند. نتایج پژوهش بالا نشان می‌دهد که بین محافظه‌کاری مشروط و ابعاد مسئولیت اجتماعی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

استادحسنلو (۱۴۰۲) در پژوهشی به بررسی «رابطه بین مسئولیت اجتماعی و محافظه‌کاری حسابداری در شهرداری‌ها»، پرداختند. نتایج این پژوهش نشان داد که مدل‌های مطرح در حوزه مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و شهرداری‌ها می‌توانند براساس مدل مسئولیت اجتماعی کارول، مدل مسئولیت اجتماعی لانتوس، مدل SAC و مدل مفهومی پنج بعدی رویکرد استراتژیک که دارای ابعاد و شرح مسئولیت‌های متنوع هستند، بررسی شود. شناسایی زبان کاهش ارزش موجودی‌ها فقط بر اقلام تعهدی تأثیرگذار است و جریان‌های نقدی را متأثر نمی‌سازد. از اقلام

1. Noor, A; & et al.

تعهدی عملیاتی به این دلیل استفاده می‌شود که از یک منظر حسابداری تعهدی مجرای برای اعمال محافظه‌کاری است و از منظر دیگر اعمال اختیار از جانب مدیران در شرایط عدم اطمینان زمینه را برای اعمال محافظه‌کاری فراهم می‌کند.

ریگی‌لادز و بذرافشان (۱۴۰۲) و نوراله‌زاده، تشکر و قنبری تفرشی (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «تأثیر محافظه‌کاری حسابداری بر افشای مسئولیت اجتماعی با تأکید بر نقش عدم اطمینان سیاست‌های اقتصاد کلان و محدودیت مالی» بر روی ۳۳ شرکت، بیانگر آن است که بین محافظه‌کاری حسابداری و ایفای مسئولیت‌پذیری اجتماعی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. علاوه بر آن عدم اطمینان اقتصاد کلان رابطه بین محافظه‌کاری حسابداری و افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی را تضعیف می‌کند. همچنین یافته‌ها بیانگر آن است که محدودیت مالی بر رابطه بین محافظه‌کاری حسابداری و افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی تأثیر معناداری ندارد.

پیشینه پژوهش‌های خارجی

نور و همکاران (۲۰۲۱) در پژوهشی به بررسی رابطه بین افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی و محافظه‌کاری حسابداری در بهبود کیفیت سود، پرداختند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که شرکت‌هایی که مسئولیت اجتماعی بیشتری را در گزارش‌های خود افشا می‌کنند، ممکن است محافظه‌کارتر در ثبت درآمد و هزینه‌های خود باشند. این امر می‌تواند به بهبود کیفیت سود شرکت‌ها کمک کند.

هایدر و همکاران (۲۰۲۱) در پژوهشی به بررسی تأثیر توانایی مدیریت بر محافظه‌کاری، پرداختند. نتایج نشان داد که بین توانایی مدیریتی و محافظه‌کاری حسابداری همبستگی مثبت وجود دارد. این نتایج از این ایده حمایت می‌کند که مدیران با توانایی بالا، اصل احتیاط را در حسابداری اعمال می‌کنند، زیرا این امر به شرکت، سهامداران و سایر ذینفعان سود می‌رساند.

ژو و تان^۱ (۲۰۲۲) در پژوهشی تأثیر مسئولیت اجتماعی شرکت بر میزان محافظه‌کاری حسابداری را بررسی کردند. یافته‌های آن‌ها نشان داد که مسئولیت اجتماعی شرکتی با درجه محافظه‌کاری رابطه منفی دارد. این بدین معنا است که شرکت‌هایی که مسئولیت اجتماعی بالایی دارند، سود را مدیریت می‌کنند و اخبار بد را به موقع گزارش نمی‌کنند.

1. Zhu, D; & Tan, K.H.

گارانی و کیم (۲۰۲۳) به بررسی رابطه افشای مسئولیت‌های اجتماعی و محافظه‌کاری با توجه به نقش ساختار مالکیت پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که بین افشای مسئولیت‌های اجتماعی و محافظه‌کاری رابطه معناداری وجود دارد. همچنین، نوع مالکیت رابطه بین افشای مسئولیت‌های اجتماعی و محافظه‌کاری را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

در پژوهش‌های داخلی نیز گنجی و همکاران (۱۴۰۰) به بررسی اثر روابط سیاسی با دولت بر رابطه بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و محافظه‌کاری حسابداری پرداختند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر محافظه‌کاری حسابداری، اثر مثبت و معناداری دارد.

روش‌شناسی پژوهش

به منظور آزمون فرضیه‌ها از مدل رگرسیون ساده و رگرسیون چندمتغیره، استفاده شده است. به منظور تدوین مباحث نظری و برای جمع‌آوری داده‌های پژوهش از صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران و همچنین بانک‌های اطلاعاتی نظیر ره‌آورد نوین، استفاده شده است. بر این اساس، صورت‌های مالی شرکت‌های بورسی برای یک دوره ۱۰ ساله از ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۱، مورد بررسی قرار گرفته است و داده‌های مربوط به افشای مسئولیت‌های اجتماعی از یادداشت‌های همراه صورت‌های مالی و سایر متغیرها از سایت ره‌آورد نوین استخراج شده است. در این پژوهش انتخاب نمونه آماری به روش حذف سیستماتیک صورت گرفته است. بر این اساس، با در نظر گرفتن معیارهای زیر تعداد ۱۶۷، شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران به عنوان نمونه برای بررسی فرضیه‌های پژوهش، انتخاب شدند.

جدول ۱. انتخاب نمونه

تعداد شرکت‌ها	توضیحات
۶۰۳	کل شرکت‌های موجود در بورس در پایان دوره زمانی پژوهش (سال ۱۴۰۱)
(۵۵)	به منظور افزایش قابلیت مقایسه، حذف شرکت‌های غیرمنطقی با ۲۹ اسفند
(۶۱)	حذف شرکت‌های سرمایه‌گذاری، بانک‌ها و بیمه (به علت تفاوت در ماهیت فعالیت این شرکت‌ها با سایرین)
(۲۱۷)	شرکت‌هایی که بیشتر از ۶ ماه وقفه معاملاتی دارند (به علت عدم فعالیت طولانی و کاهش دقت نمونه‌گیری)
(۱۰۳)	شرکت‌هایی که بعد از سال ۹۱ در بورس پذیرفته شده‌اند
۱۶۷	نمونه

مدل پژوهش

در این پژوهش از مدل رگرسیونی زیر به اقتباس از پژوهش گارانینا و کیم (۲۰۲۳) استفاده شده است. مدل رگرسیونی فرضیه اول. بین افشای مسئولیت‌های اجتماعی و محافظه‌کاری رابطه معناداری وجود دارد.

$$CONSCORE(AGRSORE)_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 CSRDISC_{it} + \alpha_2 ROA_{it} + \alpha_3 FIRMAGE_{it} + \alpha_4 CFO_{it} + \alpha_5 IO_{it} + \varepsilon_{it} \quad (۱)$$

مدل رگرسیونی فرضیه دوم. توانایی مدیریتی رابطه بین افشای مسئولیت اجتماعی و محافظه‌کاری را تعدیل می‌کند

$$CONSCORE(AGRSORE)_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 CSRDISC_{it} + \alpha_2 MA_{it} + \alpha_3 CSRDISC \times MA_{it} + \alpha_4 ROA_{it} + \alpha_5 FIRMAGE_{it} + \alpha_6 CFO_{it} + \alpha_7 IO_{it} + \varepsilon_{it} \quad (۲)$$

مدل رگرسیونی فرضیه سوم. ساختار سرمایه رابطه بین افشای مسئولیت اجتماعی و محافظه‌کاری را تعدیل می‌کند.

$$CONSCORE(AGRSORE)_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 CSRDISC_{it} + \alpha_2 CS_{it} + \alpha_3 CSRDISC \times CS_{it} + \alpha_4 ROA_{it} + \alpha_5 FIRMAGE_{it} + \alpha_6 CFO_{it} + \alpha_7 IO_{it} + \varepsilon_{it} \quad (۳)$$

متغیر وابسته

محافظه‌کاری

با استفاده از مدل زیر، متوجه می‌شویم که عدم تقارن منافع در پوشش اخبار خوب و بد منجر به سطوح مختلفی از ثبات می‌شود (مدل باسو با اقتباس از پژوهش گارانینا و کیم (۲۰۲۳)):

$$EARN_{it} = \beta_0 + \beta_1 DRET_{it} + \beta_2 RET_{it} + \beta_3 RET * DRET_{it} + \varepsilon_{it} \quad (۴)$$

در این مدل:

$EARN_{it}$ = سود ناخالص (پس از کسر هزینه‌های عملیاتی قبل از کسر اقلام غیر مترقبه)

تقسیم بر ارزش بازار سرمایه؛

RET_{it} = بازده یک ساله سهام بنگاه اقتصادی؛

$DRET_{it}$ = این یک متغیر ساختگی است.

در صورتی که RET کمتر از صفر (منفی) باشد، حاصل یک می‌شود و در غیر این صورت

(مساوی صفر و بزرگتر از صفر) حاصل صفر است.

خان و واتس^۱ (۲۰۰۹) با تکیه بر باسو^۲ (۱۹۹۷)، مدلی را توسعه دادند که در آن محافظه‌کاری حسابداری تابعی خطی از ویژگی‌های خاص شرکت است، مانند اندازه (FIRMSIZE)، نسبت بازار به دفتر حقوق صاحبان سهام (MB)، و اهرم (LEV)، که به ما امکان می‌دهد معیارهای CONSCORE و AGRSCORE را برای سال خاص بسازیم:

$$EARN_{it} = \beta_0 + \beta_1 DRET_{it} + \beta_2 RET_{it}(\mu_1 + \mu_2 FIRMSIZE_{it} + \mu_3 MB_{it} + \mu_4 LEV_{it}) + \beta_3 RET_{it} \times DRET_{it}(\lambda_1 + \lambda_2 FIRMSIZE_{it} + \lambda_3 MB_{it} + \lambda_4 LEV_{it}) + \varepsilon_{it} \quad (5)$$

$$CONSCORE_{it} = (\lambda_1 + \lambda_2 FIRMSIZE_{it} + \lambda_3 MB_{it} + \lambda_4 LEV_{it}) + \varepsilon_{it} \quad (6)$$

$$AGRSCORE_{it} = (\mu_1 + \mu_2 FIRMSIZE_{it} + \mu_3 MB_{it} + \mu_4 LEV_{it}) \quad (7)$$

هرچه CONSCORE بالاتر باشد، گزارشگری مالی شرکت محافظه‌کارانه‌تر است. هرچه AGRSCORE بالاتر باشد، شرکت گزارش‌های مالی را با سرعت و حجم بیشتری ارائه می‌کند.

متغیر مستقل

افشای مسئولیت اجتماعی شرکت (CSR)

برای اندازه‌گیری سطح مسئولیت اجتماعی با بهره‌گیری از الگوی مسئولیت اجتماعی کارول^۳ (۱۹۷۹)، شاخص‌هایی برای ابعاد اقتصادی، قانونی، اخلاقی و انسان‌دوستانه انتخاب شد (رضایی و محمدپور، ۱۳۹۶). بر همین اساس، مسئولیت اجتماعی با کمک مسئولیت اقتصادی، مسئولیت قانونی، مسئولیت اخلاقی و مسئولیت انسان‌دوستانه و با روش تحلیل پوششی داده‌ها سنجیده خواهد شد. در این پژوهش از نرم‌افزار طراحی‌شده توسط شرکت بهین کاراپژوه^۴ برای محاسبه خروجی‌های تکنیک یادشده استفاده شد.

تحلیل پوششی داده‌ها، امکان مقایسه چندین واحد تصمیم‌گیرنده از نظر چندین معیار را فراهم می‌کند. در این روش، ابتدا مرز کارآ میان شرکت‌های موردبررسی تشکیل می‌شود و

1 Khan & Watts

2 Carrol, A.B.

3 Carroll

4 Behin-Cara-Pajoh

براساس آن کارآیی هر یک از واحدهای تصمیم‌گیرنده مورد محاسبه قرار می‌گیرد. آن واحدهایی که بر روی مرز کارآ قرار گرفته باشند، دارای کارآیی ۱۰۰٪ و برابر با ۱ می‌باشند و یا به عبارتی، افشای مسئولیت‌های اجتماعی در آن‌ها وضعیت مطلوبی در مقایسه با سایر شرکت‌ها دارد و آن واحدهایی که بالای این مرز قرار دارند نیز دارای کارآیی کمتر از ۱۰۰٪ و کمتر از یک خواهند بود.

متغیر مسئولیت اجتماعی شرکت تشکیل شده از شش متغیر مسئولیت انسان‌دوستانه (I1)، مسئولیت اخلاقی (I2)، مسئولیت قانونی (I3)، مسئولیت اقتصادی (O1) و مسئولیت اقتصادی (O2) و مسئولیت اقتصادی (O3) که به ترتیب نرم‌افزار وارد شدند. در نهایت براساس ورود و خروجی‌ها، یک واحد کارآیی محاسبه می‌شود که به عنوان میزان مسئولیت اجتماعی در پژوهش مورد استفاده قرار می‌گیرد. چگونگی سنجش شاخص‌های مسئولیت اجتماعی در جدول ۲ آورده شده است.

جدول ۲. نحوه سنجش شاخص‌های مسئولیت اجتماعی

بعد	متغیر	طریقه محاسبه
مسئولیت انسان‌دوستانه	I_1	آنچه سازمان مایل است انجام دهد (کارول، ۱۹۷۹). برای سنجش این بعد از نرخ تعدیل کارکنان به عنوان استفاده می‌شود. بدین ترتیب که اجتماع از هر شرکتی انتظار دارد، کارکنان خود را در هر سال افزایش دهد یا حداقل تعدادشان را نسبت به سال قبل ثابت نگه دارد. در واقع این مسئله از دیدگاه کارآفرینی، ارزش محسوب می‌شود. تعدیل کارکنان به معنای امتیاز پایین‌تر در مسئولیت اجتماعی در نظر گرفته می‌شود. بر این اساس، این متغیر با استفاده از تعداد کارکنان، سنجیده می‌شود. این متغیر به عنوان ورودی در مدل تحلیل پوششی داده، در نظر گرفته می‌شود.
مسئولیت اخلاقی	I_2	مسئولیتی است که شرکت در قبال سهامداران آن باید رعایت نماید. در واقع آنچه سازمان بهتر است انجام دهد (کارول، ۱۹۷۹). این بعد توسط مدیریت و دستکاری سود سنجیده می‌شود. این مسئولیت در این پژوهش به معنای عدم دستکاری سود و به معنای دیگر، عدم مدیریت سود در نظر گرفته شده است و با تعریف مسئولیت اخلاقی همگام است. در واقع برای شرکت‌هایی که دارای اقلام تعهدی بالاتر و مساوی صفر هستند، در این متغیر صفر (امتیاز کمتر) و برای اقلام تعهدی منفی، یک (امتیاز بیشتر) در نظر گرفته شده است. این متغیر به عنوان ورودی در مدل تحلیل پوششی داده، در نظر گرفته می‌شود. برای محاسبه مدیریت سود، از باقی‌مانده فرمول تعدیل شده جونز استفاده می‌شود (رابطه ۳-۷): $TAC_t = \alpha_0 + \beta_1(\Delta REV_t - \Delta REC_t) + PPE_t + \varepsilon_{it} \quad (8)$ در معادله بالا: TAC : اقلام تعهدی تقسیم بر جمع دارایی‌های اول دوره، اقلام تعهدی از تفاوت سود عملیاتی و جریان نقد ناشی از فعالیت‌های عملیاتی محاسبه می‌شود (بهارمقدم و قانندی‌ها، ۱۳۹۴)

بعد	متغیر	طریقه محاسبه
		ΔREV : تغییرات درآمد تقسیم بر جمع دارایی‌های اول دوره ΔREC : تغییر در حساب‌های دریافتی تقسیم بر جمع دارایی‌های اول دوره PPE : اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات E_{it} : مدیریت سود
مسئولیت قانونی	I_3	در درجه کمتری از بعد قبلی قرار دارد، نشان‌دهنده این اصل است که هر کسب و کار مستلزم پیروی از قوانین و مقررات تعیین شده برای صلاح همگان است (کارول، ۱۹۷۹). برای سنجش این بعد از نرخ مؤثر مالیاتی استفاده می‌شود که با تعریف کارول همسو است. در واقع پرداخت مالیات، به معنای رعایت قانون و حقوق اجتماعی، تلقی می‌شود. نحوه اندازه‌گیری این بعد در ادامه ذکر شده است. $I_{3.1} = \frac{T}{C} \quad (9)$ T: مالیات C: جمع هزینه‌های عملیاتی و بهای کالای فروش‌رفته
مسئولیت اقتصادی	O_1	یکی از ابعاد مسئولیت اقتصادی شرکت در قبال سهامداران، افزایش ارزش شرکت می‌باشد و ارزش نیز به کمک شاخص کیوتوبین سنجیده می‌شود. این متغیر به عنوان خروجی در مدل تحلیل پوششی داده، در نظر گرفته می‌شود. $Q = \frac{MVE + TD}{TA} \quad (10)$ MVE: ارزش بازار TD: کل بدهی‌های TA: کل دارایی‌های
مسئولیت اقتصادی	O_2	یکی از ابعاد مسئولیت اقتصادی شرکت در قبال سهامداران، افزایش رشد مالی شرکت می‌باشد و رشد مالی نیز به کمک شاخص رشد فروش سنجیده می‌شود. این متغیر به عنوان خروجی در مدل تحلیل پوششی داده، در نظر گرفته می‌شود. $growth = \frac{S_{it} - S_{it-1}}{S_{it-1}} \quad (11)$ S: عبارتست از فروش نرخ رشد فروش
مسئولیت اقتصادی	O_3	یکی از ابعاد مسئولیت اقتصادی شرکت در قبال سهامداران، مسئولیت اقتصادی شرکت در قبال سهامداران بازدهی سهام بالاتر شرکت می‌باشد. $R = \frac{[(1+a)P_1 - P_0 + DPS]}{P_0} \quad (12)$ بازدهی سالانه سهام در معادله بالا P_1: قیمت سهام شرکت در پایان دوره (از اطلاعات تابلویی بورس اوراق بهادار) P_0: قیمت سهام شرکت در ابتدای دوره a: درصد کل افزایش سرمایه (صورت سود و زیان شرکت‌ها) DPS: سود تقسیمی هر سهم (صورتجلسه مجمع عمومی)

منبع: (رضایی و محمدپور، ۱۳۹۶)

متغیرهای تعدیل‌گر

- توانایی مدیریت

در این پژوهش از نمونه‌های دمرجیان و همکاران (۲۰۱۲) برای سنجش ظرفیت مدیریت استفاده شده است. در این مدل، شایستگی مدیریتی با اندازه‌گیری کارآیی شرکت و سپس وارد کردن آن در یک رگرسیون خطی چندگانه به‌عنوان متغیر وابسته، با کنترل ویژگی‌های درونی شرکت محاسبه می‌شود. برای سنجش عملکرد شرکت از مدل تحلیل پوششی داده‌ها استفاده کردند. مدل تحلیل پوششی داده‌ها نوعی مدل آماری است که برای اندازه‌گیری عملکرد سیستم با استفاده از داده‌های ورودی و خروجی استفاده می‌شود. لازم به بیان است که متغیرهای اجاره عملیاتی و هزینه پژوهش و توسعه به‌دلیل عدم افشای شرکت‌های پذیرفته‌شده در بازار سرمایه از مدل مربوطه حذف شده‌اند.

$$max_v \theta = \frac{sales}{COGS_{V1} + SG\&A_{V2} + NetPPE_{V3} + Goodwill_{V4} + Intan_{V8}} \quad (۱۳)$$

در رابطه بالا، sales حجم و مقدار فروش؛ COGS بهای تمام‌شده کالای فروخته‌شده؛ SG&A هزینه‌های عمومی، اداری و فروش؛ NetPPE مانده خالص املاک، ماشین‌آلات و تجهیزات؛ Goodwill سرقفلی خریداری‌شده در ابتدای سال؛ Intan مانده خالص دارایی نامشهود در ابتدای سال و ۷ متغیر ورودی ضریب خاص است.

کارآیی محاسبه‌شده از معادله ۱۳ برای ارزیابی کارآیی شرکت‌ها در یک صنعت طراحی شده است تا بتوان عملکرد هر شرکت را با سایر شرکت‌های این صنعت مقایسه و ارزیابی کرد. مقدار محاسبه‌شده برای بازده شرکت در بازه ۰ تا ۱ است، بنابراین هرچه مقدار به‌دست آمده کمتر باشد، بدین معنی است که کارآیی شرکت کم است. این پژوهش هدف از محاسبه کارآیی شرکت، سنجش شایستگی مدیریت است و از آنجا که در محاسبات مربوط به کارآیی، ویژگی‌های درونی شرکت نیز مداخله می‌کنند، نمی‌توان توانایی مدیریت را به‌طور دقیق و صحیح اندازه‌گیری کرد، زیرا با توجه به اثرپذیری از این ویژگی‌ها، بیشتر یا کمتر از مقدار واقعی نشان داده می‌شود. دمرجیان و همکاران (۲۰۱۲)، برای کنترل اثر ویژگی‌های درونی شرکت در مدل خود کارآیی شرکت را به دو گروه منفک از هم تقسیم کرد، یعنی کارآیی بر مبنای ویژگی‌های درونی شرکت و عملکرد بر اساس قابلیت‌های مدیریت. آن‌ها این کار را با کنترل پنج ویژگی اساسی شرکت، از جمله اندازه، سهم بازار، جریان نقدی عملیاتی، سن شرکت از زمان پذیرفته شدن در بازار سرمایه و فروش

بین‌المللی (صادرات) انجام دادند. هر کدام از این مؤلفه‌های ذکر شده که به‌عنوان ویژگی‌های اساسی شرکت بیان می‌شود، می‌تواند به مدیریت کمک کند تا تصمیمات بهتری بگیرد یا در جهت مخالف عمل کند و گزینه‌های مدیریتی را محدود کند. بنابراین سطح توانایی مدیریت در این مدل در بازه (۱- و ۱+) متغیر است. در مدل بعدی ارائه‌شده توسط دمرجیان و همکاران (۲۰۱۲)، این پنج مؤلفه اساسی برای آن‌ها کنترل می‌شود.

$$\begin{aligned} & \text{Firm Efficiency} & (14) \\ & = a_0 + a_1 \text{Size}_t \\ & + a_2 \text{Market share} + a_3 \text{Free Cash Flow Indicator} + a_4 \text{Age} \\ & + a_5 \text{Foreign Currency Indicator} + \tau \end{aligned}$$

در رابطه (۱۴)، Firm Efficiency کارآیی محاسبه‌شده از رابطه (۱۳) است؛ Size اندازه شرکت و برابر است با لگاریتم طبیعی مجموعه دارایی‌های شرکت؛ Market share سهم بازار شرکت و برابر است با نسبت فروش شرکت به فروش کل صنعت؛ Free Cash Flow Indicator متغیر دامی است که در صورت مثبت بودن جریان‌های نقدی عملیاتی عدد یک و در صورت منفی بودن عدد صفر منظور می‌شود؛ Age سن شرکت از زمان پذیرفته شدن در بازار سرمایه و برابر است با لگاریتم طبیعی تعداد سال‌هایی که شرکت در بورس تهران پذیرفته شده است؛ Foreign Currency Indicator متغیر دامی است که برای شرکت‌هایی که صادرات (فروش بین‌المللی) داشته‌اند، برابر یک و در غیر این صورت صفر منظور می‌شود و نشان‌دهنده باقی‌مانده مدل و شایستگی مدیریت است.

– ساختار سرمایه (CS)

ساختار سرمایه ترکیبی از بدهی و سرمایه است که شرکت‌ها از این طریق، منابع مالی را برای کسب دارایی‌های موردنظر خود تأمین می‌کنند (دیدار و بیکی، ۱۳۹۶)؛ اما فریدر و مارتل^۱ (۲۰۰۶) و لیپسون و مونترال^۲ (۲۰۰۹) معتقدند که طبقه بدهی‌ها که جزیی از ساختار سرمایه می‌باشد، بر جریان نقدشوندگی سهام تأثیر می‌گذارد. بنابراین در این پژوهش تنها از اهرم مالی یا همان نسبت بدهی (کل بدهی‌ها تقسیم بر کل دارایی‌ها) به‌عنوان یک متغیر از ساختار سرمایه استفاده می‌شود.

1 Frieder, L; & Martell, R.

2 Lipson, M.L; & Mortal, S.

متغیرهای کنترلی

- مطابق با پژوهش گارانینا و کیم (۲۰۲۳) از متغیرهای کنترلی زیر استفاده شده است:
- بازده دارایی (ROA): از نسبت سود خالص بر کل دارایی‌ها به‌دست می‌آید.
- سن شرکت ($FIRMAGE$): برابر است با لگاریتم طبیعی تعداد سال فعالیت شرکت؛
- نسبت جریان وجه نقد عملیاتی (CFO): از تقسیم وجه نقد عملیاتی به جمع دارایی‌ها به‌دست می‌آید.
- سهامداران نهادی (IO): به درصدی از سهام متعلق به سرمایه‌گذاران بزرگ مانند بانک‌ها، شرکت‌های بیمه و شرکت‌های سرمایه‌گذاری اشاره دارد. در این مطالعه، با تقسیم کل سهام سرمایه‌گذاران نهادی بر کل سهام منتشرشده درصد سهام متعلق به سرمایه‌گذاران نهادی به‌دست می‌آید.

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی پژوهش

آمار توصیفی متغیرهای پژوهش در جدول (۳) ارائه شده‌اند که ارقام این جدول توسط نرم‌افزار اکسل و ایویوز ۱۲ محاسبه شده‌اند.

جدول ۳. آماره‌های توصیفی

متغیر پژوهش	علامت اختصاصی	میانگین	میانه	بزرگ‌ترین	کوچک‌ترین	انحراف معیار	تعداد مشاهدات
محافظه‌کاری	CONSCORE(AGRSORE)	-۱/۱۱۳	-۰/۳۵۹	۲/۰۴۲	-۱۱/۵۰۶	۱/۸۲۳	۱۶۷۰
افشای مسئولیت اجتماعی	CSRDISC	۰/۱۵۹	۰/۰۷۷	۱	۰/۰۰۰۱	۰/۲۲۶	۱۶۷۰
توانایی‌های مدیریت	MA	۰/۰۱۱	۰/۰۲۰	۰/۷۸۶	-۰/۵۶۶	۰/۱۵۴	۱۶۷۰
ساختار سرمایه	CS	۰/۵۴۳	۰/۵۴۶	۱/۰۸۹	۰/۰۳۱	۰/۲۰۱	۱۶۷۰
بازده دارایی	ROA	۰/۱۳۷	۰/۱۱۴	۰/۶۸۱	-۰/۵۸۱	۰/۱۶۲	۱۶۷۰
سن شرکت	FIRM_AGE	۲/۹۷۲	۲/۹۹۵	۴/۰۰۷	۱/۷۹۱	۰/۳۸۷	۱۶۷۰
نسبت جریان وجه نقد عملیاتی	CFO	۰/۱۱۱	۰/۰۹۲	۰/۶۸۷	-۰/۳۹۹	۰/۱۳۸	۱۶۷۰

متغیر پژوهش	علامت اختصاصی	میانگین	میانه	بزرگترین	کوچکترین	انحراف معیار	تعداد مشاهدات
سهامداران نهادی	IO	۰/۵۴۶	۰/۶۴۰	۰/۹۹۹	۰	۰/۳۱۷	۱۶۷۰

آزمون پایایی متغیرهای پژوهش

قبل از تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش، پایایی متغیرهای پژوهش مورد بررسی قرار گرفت. پایایی متغیرهای پژوهش، به این معنی است که میانگین و واریانس متغیرها در طول زمان و کوواریانس متغیرها بین سال‌های مختلف ثابت بوده است. در نتیجه، استفاده از این متغیرها در مدل باعث به وجود آمدن رگرسیون کاذب نمی‌شود. بدین منظور از آزمون لوین، لین و چو^۱ (۲۰۰۲)، استفاده شده است. همان‌طور که در جدول (۴) نشان می‌دهد، مقدار P-Value برای تمامی متغیرها کمتر از ۵٪ است، بنابراین تمامی متغیرهای پژوهش در دوره مورد بررسی در سطح پایا هستند.

جدول ۴. نتایج آزمون پایایی متغیرهای پژوهش

متغیر پژوهش	علامت اختصاصی	P-Value	t-Statistic	نتیجه
محافظة کاری	CONSCORE(AGRSORE)	۰/۰۰۰	-۱۳/۳۳۹	پایا است
افشای مسئولیت اجتماعی	CSRDISC	۰/۰۰۰	-۳۲/۹۵۵	پایا است
توانایی‌های مدیریت	MA	۰/۰۰۰	-۱۶/۰۸۲	پایا است
ساختار سرمایه	CS	۰/۰۰۰	-۱۷/۲۹۴	پایا است
افشای مسئولیت اجتماعی×توانایی‌های مدیریت	CSRDISC×MA	۰/۰۰۰	-۱۷/۸۶۴	پایا است
افشای مسئولیت اجتماعی×ساختار سرمایه	CSRDISC×CS	۰/۰۰۰	-۳۵/۹۰۷	پایا است
بازده دارایی	ROA	۰/۰۰۰	-۱۱/۹۲۱	پایا است
سن شرکت	FIRM_AGE	۰/۰۰۰	-۵۲/۳۲۹	پایا است
نسبت جریان وجه نقد عملیاتی	CFO	۰/۰۰۰	-۲۷/۷۳۹	پایا است
سهامداران نهادی	IO	۰/۰۰۰	-۲۴/۹۹۴	پایا است

بررسی فرضیه کلاسیک رگرسیون

به منظور بررسی هم‌خطی بین متغیرها در تحلیل رگرسیون کمترین مربعات معمولی از آزمون هم‌خطی، تورم واریانس، استفاده شده است. براساس یافته‌های آزمون، تورم واریانس متغیرها از ۵ کمتر

1 Common Root-Levin, Lin, Chu, (2002)

بودند و در نتیجه، مشکل هم خطی بین متغیرهای پژوهش وجود داشت، ولی بسیار ضعیف بود. یکی دیگر از مفروضات کلاسیک رگرسیون، ثابت بودن واریانس جملات خطا می‌باشد که به‌عنوان فرض همسانی واریانس شناخته می‌شود. در این پژوهش برای بررسی ناهمسانی واریانس از آزمون بروش پاگان استفاده شده است که نتایج حاصل از انجام این آزمون بیانگر ناهمسانی واریانس بود و برای رفع این مشکل از ضریب تصحیح وایت استفاده شد. در نهایت، در مطالعات اقتصادسنجی که بر مبنای سری‌های زمانی قرار دارند، فرض عدم خودهمبستگی سریالی بین جملات پسماند که از فروض مهم مدل کلاسیک است، اغلب نقض می‌شوند، بنابراین لازم است که قبل از تفسیر نتایج حاصل، به بررسی پدیده خود همبستگی سریالی بین جملات پسماند پرداخته شود زیرا در صورت وجود خودهمبستگی سریالی بین اجزا اختلال، تخمین‌زن‌های OLS دیگر در بین تمام تخمین‌زن‌ها بدون‌تورش و کارآ نیستند یعنی دارای حداقل واریانس نیستند و در نتیجه استنباط آماری، قابل اعتماد نخواهد بود. این مشکل بیشتر در داده‌های سری زمانی دیده می‌شود. برای کشف خود همبستگی مرتبه از آزمون دورین واتسون استفاده می‌شود. نتایج آماره دورین واتسون برای تمام مدل‌های پژوهش در محدوده ۱/۵ تا ۲/۵ قرار داشت. بر این اساس، می‌توان فرض عدم وجود همبستگی بین خطاهای مدل را به‌عنوان یکی از فرضیه‌های اصلی رگرسیون پذیرفت.

برآورد مدل‌های پژوهش

آزمون‌های تشخیصی در داده‌های ترکیبی

ابتدا قبل از آزمون فرضیه، بایستی با استفاده از آزمون‌های چاو (F لیمر) و هاسمن نوع تخمین مدل را تعیین کرد. همان‌گونه که در جدول (۵) مشاهده می‌شود با توجه به اینکه سطح معناداری به‌دست آمده از آزمون چاو برابر زیر سطح خطای ۵ درصد است، بنابراین روش داده‌های تابلویی با اثرات ثابت برای مدل‌های پژوهش پذیرفته می‌شود. همچنین، با توجه به نتایج آزمون هاسمن، روش اثرات ثابت برای تخمین مدل‌های پژوهش مورد استفاده واقع شد.

جدول ۵. نتایج آزمون‌های چاو و هاسمن

مدل پژوهش	آزمون	آماره	سطح معناداری	روش تأیید شده
مدل رگرسیونی ۱	مقدار آماره χ^2	۱/۲۲۳	۰/۰۳۴	داده‌های تابلویی
	آزمون هاسمن	۱۴۷/۹۱۷	۰/۰۰۰	اثرات ثابت
مدل رگرسیونی ۲	مقدار آماره χ^2	۲/۹۰۹	۰/۰۰۰	داده‌های تابلویی

مدل پژوهش	آزمون	آماره	سطح معناداری	روش تأیید شده
	آزمون هاسمن	۳۷۴/۸۶۱	۰/۰۰۰	اثرات ثابت
مدل رگرسیونی ۳	مقدار آماره χ^2	۱/۴۰۵	۰/۰۰۱	داده‌های تابلویی
	آزمون هاسمن	۱۶۹/۶۸۴	۰/۰۰۰	اثرات ثابت

نتایج حاصل از آزمون فرضیات

فرضیه ۱. بین افشای مسئولیت‌های اجتماعی و محافظه کاری رابطه معناداری وجود دارد.

با توجه به نتایج جدول (۶) مدل پژوهش، سطح معناداری آماره مدل (۰/۰۰۰)، بیانگر معنی‌دار بودن مدل برای آزمون فرضیه‌ها و ضریب تعیین تعدیل شده ۰/۳۰۲ است که بیانگر این است متغیرهای مستقل و کنترلی به میزان ۳۰/۲ درصد متغیر وابسته را توضیح می‌دهد. برای بررسی فرضیه اول پژوهش مدل با استفاده از اطلاعات جدول (۶) و معنی‌دار بودن کل مدل می‌توان گفت که بین افشای مسئولیت‌های اجتماعی و محافظه کاری رابطه معناداری وجود دارد. به عبارتی ضریب متغیر افشای مسئولیت‌های اجتماعی ۰/۷۵۳ می‌باشد که سطح معنی‌داری به دست آمده برای این ضریب ۰/۰۴۳ است که کمتر از سطح خطای ۰/۰۵ (سطح اطمینان ۹۵٪) است، یعنی با افزایش افشای مسئولیت‌های اجتماعی، محافظه کاری افزایش می‌یابد. با توجه به مطالب ذکر شده فرضیه فوق تأیید می‌شود.

جدول ۶. نتایج آزمون مدل اول پژوهش

$CONSCORE(AGRSORE)_{it}$ $= \alpha_0 + \alpha_1 CSRDISC_{it} + \alpha_2 ROA_{it} + \alpha_3 FIRM_AGE_{it} + \alpha_4 CFO_{it}$ $+ \alpha_5 IO_{it} + \varepsilon_{it}$					
مدل				علامت اختصاری	متغیر
P-Value	T آماره	Std. Err	ضرایب		
۰/۰۰۰	۴/۸۱۷	۰/۱۹۶	۰/۹۴۶	Cons	عرض از مبدأ
۰/۰۴۳	۲/۰۱۹	۰/۳۷۲	۰/۷۵۳	CSRDISC	افشای مسئولیت اجتماعی
۰/۰۱۵	۲/۴۲۹	۰/۲۶۵	۰/۶۴۴	ROA	بازده دارایی
۰/۶۲۵	-۰/۴۸۷	۰/۹۵۶	-۰/۴۶۶	FIRM_AGE	سن شرکت
۰/۰۰۴	۲/۸۴۳	۰/۲۸۳	۰/۸۰۶	CFO	نسبت جریان وجه نقد عملیاتی
۰/۰۰۱	۳/۱۶۸	۰/۲۷۵	۰/۸۷۳	IO	سهامداران نهادی

$CONSCORE(AGRSORE)_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 CSRDISC_{it} + \alpha_2 ROA_{it} + \alpha_3 FIRM_AGE_{it} + \alpha_4 CFO_{it} + \alpha_5 IO_{it} + \varepsilon_{it}$				
مدل				متغیر
P-Value	T آماره	Std. Err	ضرایب	علامت اختصاری
۱/۷۳۸				دوربین واتسون
۰/۳۹۴				ضریب تعیین R2
۰/۳۰۲				ضریب تعیین تعدیل شده Adj R-squared
۰/۰۰۰				سطح معناداری آماره F
۷/۸۸۹				آماره F

فرضیه ۲. توانایی‌های مدیریت رابطه بین افشای مسئولیت‌های اجتماعی و محافظه‌کاری را تعدیل می‌کند.

با توجه به نتایج جدول (۷) مدل پژوهش، سطح معناداری آماره مدل (۰/۰۰۰)، مؤید معنی‌دار بودن آن مدل در سطح ۹۹٪ برای آزمون فرضیه‌ها است و ضریب تعیین تعدیل شده ۰/۴۵۱ است که بیانگر این است متغیرهای مستقل و کنترلی به میزان ۴۵/۱ درصد متغیر وابسته را توضیح می‌دهد. نتایج حاصل از برآورد فرضیه دوم پژوهش، یعنی نقش تعدیل‌کننده توانایی‌های مدیریت بر رابطه بین افشای مسئولیت‌های اجتماعی و محافظه‌کاری در جدول (۷) ارائه شده است. مشاهده می‌شود ضریب متغیر اثر تعاملی افشای مسئولیت اجتماعی×توانایی‌های مدیریت (۰/۹۸۰) و دارای سطح معناداری ۰/۰۰۰ است. بنابراین، توانایی‌های مدیریت بر رابطه بین افشای مسئولیت‌های اجتماعی و محافظه‌کاری تأثیر معناداری دارد. نکته شایان بیان در راستای تفسیر نقش تعدیلگری این است که علامت تعاملی در مدل تعاملی هم‌راستا با متغیر مستقل در مدل رگرسیون فرضیه اصلی پژوهش است، پس متغیر تعدیلگری رابطه بین متغیر مستقل و وابسته را تقویت می‌کند.

جدول ۷. نتایج آزمون مدل دوم پژوهش

$CONSCORE(AGRSORE)_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 CSRDISC_{it} + \alpha_2 MA_{it} + \alpha_3 CSRDISC \times MA_{it} + \alpha_4 ROA_{it} + \alpha_5 FIRMAGE_{it} + \alpha_6 CFO_{it} + \alpha_7 IO_{it} + \varepsilon_{it}$				
مدل				متغیر
P-Value	T آماره	Std. Err	ضرایب	علامت اختصاری
۰/۰۲۲	۲/۲۸۲	۱/۹۶۵	۴/۴۸۷	Cons
				عرض از مبدأ

$CONSCORE(AGRSORE)_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 CSRDISC_{it} + \alpha_2 MA_{it} + \alpha_3 CSRDISC \times MA_{it} + \alpha_4 ROA_{it} + \alpha_5 FIRMAGE_{it} + \alpha_6 CFO_{it} + \alpha_7 IO_{it} + \varepsilon_{it}$					
مدل				علامت اختصاری	متغیر
P-Value	T آماره	Std. Err	ضرایب		
۰/۰۱۲	۲/۵۱۴	۰/۳۷۷	۰/۹۵۰	CSRDISC	افشای مسئولیت اجتماعی
۰/۰۰۰	۸/۲۳۷	۰/۲۹۶	۲/۴۴۲	MA	توانایی‌های مدیریت
۰/۰۰۰	۳/۵۳۵	۰/۲۷۷	۰/۹۸۰	CSRDISC×MA	افشای مسئولیت اجتماعی×توانایی‌های مدیریت
۰/۰۰۰	-۹/۹۴۴	۰/۴۹۱	-۴/۸۹۲	ROA	بازده دارایی
۰/۰۲۴	-۲/۲۵۰	۰/۷۹۷	-۱/۷۹۷	FIRM_AGE	سن شرکت
۰/۰۰۰	۳/۴۱۲	۰/۲۵۹	۰/۸۸۶	CFO	نسبت جریان وجه نقد عملیاتی
۰/۰۰۰	۶/۹۸۸	۰/۱۵۰	۱/۰۴۹	IO	سهامداران نهادی
۱/۶۱۴				دوربین واتسون	
۰/۵۲۵				ضریب تعیین R2	
۰/۴۵۱				ضریب تعیین تعدیل شده Adj R-squared	
۰/۰۰۰				سطح معناداری آماره F	
۷/۱۶۱				آماره F	

فرضیه ۳. ساختار سرمایه رابطه بین افشای مسئولیت‌های اجتماعی و محافظه‌کاری را تعدیل می‌کند.

با توجه به نتایج جدول (۸) مدل پژوهش، سطح معناداری آماره مدل (۰/۰۰۰)، بیانگر معنی‌دار بودن مدل برای آزمون فرضیه‌ها و ضریب تعیین تعدیل شده ۰/۵۳۹ است که نشانگر این است متغیرهای مستقل و کنترلی به میزان ۵۳/۹ درصد متغیر وابسته را توضیح می‌دهد. نتایج حاصل از برآورد فرضیه سوم پژوهش، یعنی نقش تعدیل‌کننده ساختار سرمایه بر رابطه بین افشای مسئولیت‌های اجتماعی و محافظه‌کاری در جدول (۸) ارائه شده است. مشاهده می‌شود ضریب متغیر اثر تعاملی افشا مسئولیت اجتماعی×ساختار سرمایه (۲/۳۴۵-) و دارای سطح معناداری ۰/۰۰۰ است بنابراین ساختار سرمایه بر رابطه بین افشای مسئولیت‌های اجتماعی و محافظه‌کاری تأثیر معناداری دارد. نکته شایان بیان در راستای تفسیر نقش تعدیلگری این است که علامت تعاملی در مدل تعاملی هم‌راستا با متغیر مستقل در مدل رگرسیون فرضیه اصلی پژوهش نیست، پس متغیر تعدیلگری رابطه بین متغیر مستقل و وابسته را تضعیف می‌کند.

جدول ۸. نتایج آزمون مدل سوم پژوهش

$CONSCORE(AGRSORE)_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 CSRDISC_{it} + \alpha_2 CS_{it} + \alpha_3 CSRDISC \times CS_{it} + \alpha_4 ROA_{it} + \alpha_5 FIRMAGE_{it} + \alpha_6 CFO_{it} + \alpha_7 IO_{it} + \varepsilon_{it}$					
مدل				علامت اختصاری	متغیر
P-Value	T آماره	Std. Err	ضرایب		
۰/۰۱۵	۲/۴۱۹	۲/۳۰۰	۵/۵۶۶	Cons	عرض از مبدأ
۰/۰۰۰	۶/۸۳۲	۰/۳۷۱	۲/۵۳۸	CSRDISC	افشای مسئولیت اجتماعی
۰/۰۰۰	-۳/۷۱۷	۰/۳۶۹	-۱/۳۷۳	CS	ساختار سرمایه
۰/۰۰۰	-۴/۹۷۷	۰/۴۷۱	-۲/۳۴۵	CSRDISC×CS	افشای مسئولیت اجتماعی×ساختار سرمایه
۰/۰۰۰	۱۰/۵۷۴	۰/۵۱۴	۵/۴۳۸	ROA	بازده دارایی
۰/۰۰۶	-۲/۷۲۰	۰/۷۷۸	-۲/۱۱۸	FIRM_AGE	سن شرکت
۰/۳۳۱	۰/۹۷۲	۰/۳۵۰	۰/۳۴۱	CFO	نسبت جریان وجه نقد عملیاتی
۰/۰۰۰	۹/۵۵۲	۰/۲۱۸	۲/۰۸۴	IO	سهامداران نهادی
۱/۵۹۴				دوربین واتسون	
۰/۶۱۰				ضریب تعیین R2	
۰/۵۳۹				ضریب تعیین تعدیل شده Adj R-squared	
۰/۰۰۰				سطح معناداری آماره F	
۸/۶۳۰				آماره F	

بحث و نتیجه‌گیری

افشای مسئولیت‌های اجتماعی به‌عنوان راه ارتباطی با ذینفعان، می‌تواند اعتماد و مشروعیت شرکت‌ها را تقویت کند و نظر مثبت ذینفعان را جلب کرده و از بروز ریسک‌های مرتبط با بحران‌های اجتماعی و زیست‌محیطی پیشگیری کند. شن و همکاران (۲۰۲۱) تأکید کرده‌اند که افشای مسئولیت‌های اجتماعی، ابزاری ارزشمند برای ارتقای محافظه‌کاری و بهبود عملکرد شرکت‌ها است و مزایای چشمگیری برای شرکت‌ها و ذینفعان آن‌ها به‌ارمغان می‌آورد. از سوی دیگر، گزارش محافظه‌کارانه اطلاعات مالی، با افزایش قابلیت اطمینان و صداقت گزارش‌های مالی، نقش بااهمیتی در ارتقای سطح کیفی گزارشگری مالی ایفا می‌کند. این اصل همچنین ریسک‌های مرتبط با گزارشگری مالی را کاهش می‌دهد و به ذینفعان کمک می‌کند تا تصمیمات آگاهانه‌تری اتخاذ کنند. بر این اساس، در این پژوهش به بررسی رابطه بین محافظه‌کاری و افشای مسئولیت‌های اجتماعی پرداخته شد و اثر تعدیلی توانایی مدیران و ساختار سرمایه بر این رابطه بررسی شد.

یافته‌های حاصل از فرضیه اول پژوهش نشان داد که «بین افشای مسئولیت‌های اجتماعی و محافظه‌کاری رابطه مثبت و معناداری وجود دارد». به عبارتی، شرکت‌هایی که مسئولیت‌های اجتماعی خود را افشا کرده‌اند، معمولاً در گزارش‌های مالی خود محافظه‌کارانه‌تر عمل می‌کنند. این محافظه‌کاری به شرکت‌ها کمک می‌کند تا از ریسک‌های مالی و عدم قطعیت‌ها محافظت کنند و در برابر فشارهای اقتصادی و مالی مقاوم‌تر باشند. از طرف دیگر، فعالیت‌های افشای مسئولیت‌های اجتماعی نشان‌دهنده توجه به منافع اجتماعی و زیست‌محیطی است که می‌تواند به تقویت اعتبار و اعتماد عمومی نسبت به شرکت کمک کند. بنابراین، شرکت‌هایی که به فعالیت‌های افشای مسئولیت‌های اهمیت می‌دهند، معمولاً تلاش می‌کنند تا از طریق رویه‌های محافظه‌کارانه، شفافیت مالی را افزایش دهند و در عین حال از نوسانات و ریسک‌های مالی جلوگیری کنند. این رابطه بین افشای مسئولیت‌های اجتماعی و محافظه‌کاری نشان‌دهنده آن است که شرکت‌ها با انتخاب شیوه‌های محافظه‌کارانه در گزارش‌های مالی، می‌خواهند به سهام‌داران و سایر ذینفعان نشان‌دهند که به مسئولیت‌های خود پایبندند و در تلاش‌اند تا با ایجاد یک تصویر مالی پایدار و قابل اعتماد، به اهداف افشای مسئولیت‌های اجتماعی خود دست یابند. در نتیجه، این شیوه‌های محافظه‌کارانه به شرکت‌ها این امکان را می‌دهد که تعهدات خود را به‌طور مؤثرتر انجام دهند و در عین حال از مشکلات مالی و قانونی احتمالی که ممکن است به دلیل عدم تطابق با استانداردهای افشای مسئولیت‌های اجتماعی پیش بیاید، جلوگیری کنند. یافته‌های فرضیه اول با نتایج پژوهش‌های دارائی و همکاران (۲۰۲۴)، گارائینا و کیم (۲۰۲۳) و شن و همکاران (۲۰۲۱) مطابقت و همخوانی داشته است.

یافته‌های حاصل از فرضیه دوم پژوهش نشان داد که «توانایی مدیریتی رابطه بین افشای مسئولیت اجتماعی و محافظه‌کاری را تعدیل می‌کند». به عبارتی، مدیران با توانایی بالا از مهارت‌ها و تخصص استثنایی خود برای تهیه و ارائه گزارش‌های مالی به‌طور محافظه‌کارانه استفاده می‌کنند. این مهارت‌ها به آن‌ها این امکان را می‌دهد که به‌طور مؤثر و دقیق گزارش‌های مالی را تنظیم کنند تا از بروز مشکلات مالی و قانونی جلوگیری کنند. از آنجا که گزارش‌دهی محافظه‌کارانه می‌تواند به کاهش ریسک‌های مالی و بهبود اعتبار شرکت کمک کند، مدیران با توانایی بالا می‌توانند با استفاده از این شیوه‌ها به بهبود عملکرد شرکت در زمینه مسئولیت اجتماعی کمک کنند (خواجوی و همکاران، ۱۴۰۱). مدیران با توانایی بالا با توجه به توانایی‌های خود در تحلیل و ارزیابی ریسک‌ها، ممکن است تمایل بیشتری به پیروی از اصول محافظه‌کاری

داشته باشند بنابراین آن‌ها می‌توانند با بهبود کیفیت گزارش‌های مالی و کاهش نوسانات و عدم قطعیت‌ها، اعتماد به نفس بیشتری در افشای مسئولیت اجتماعی و مالی شرکت ایجاد کنند. افشای مسئولیت اجتماعی به‌طور محافظه‌کارانه توسط مدیران با توانایی بالا می‌تواند به نفع ذینفعان باشد. این مدیران قادر به استفاده از اطلاعات دقیق و محافظه‌کارانه برای ایجاد روابط بهتر با ذینفعان و افزایش شفافیت هستند که در نتیجه ممکن است منجر به تقویت رابطه بین افشای مسئولیت اجتماعی و محافظه‌کاری شود. در مجموع، توانایی مدیریتی بالا می‌تواند با بهبود فرآیندهای گزارش‌دهی و کاهش ریسک‌ها، رابطه بین افشای مسئولیت اجتماعی و محافظه‌کاری را تقویت کند. نتایج فرضیه بالا با نتایج پژوهش‌های کارتی‌کاساری و همکاران (۲۰۲۲)، هاید و همکاران (۲۰۲۱) و خواجوی و همکاران (۱۴۰۱) همراستا بوده است.

در نهایت، یافته‌های حاصل از فرضیه سوم پژوهش نشان داد که «ساختار سرمایه رابطه بین افشای مسئولیت اجتماعی و محافظه‌کاری را تعدیل می‌کند» زیرا شرکت‌ها با نسبت بدهی بالاتر به دنبال کاهش ریسک‌های مالی خود از طریق افشای مسئولیت اجتماعی هستند و کمتر به محافظه‌کاری در گزارش‌های مالی توجه می‌کنند، در حالی که شرکت‌ها با نسبت حقوق صاحبان سهام بالا به دلیل ثبات مالی خود، به محافظه‌کاری کمتری نیاز دارند و تمرکز بیشتری بر روی سودآوری دارند.

براساس نتایج این پژوهش به سرمایه‌گذاران پیشنهاد می‌شود که توجه ویژه‌ای به گزارش‌های مسئولیت اجتماعی داشته باشند، زیرا این گزارش‌ها می‌توانند نشان‌دهنده تمایل شرکت به شفافیت و پاسخگویی باشد که به نوبه خود ممکن است نشانگر رویکرد محافظه‌کارانه در حسابداری شرکت باشد. همچنین، به آن‌ها پیشنهاد می‌شود که توانایی مدیریتی در شرکت‌ها را به دقت ارزیابی کنند، زیرا مدیرانی که توانایی بالایی دارند، معمولاً بهتر می‌توانند بین افشای مسئولیت اجتماعی و اصول محافظه‌کاری حسابداری تعادل برقرار کنند. سرمایه‌گذاران می‌توانند از سابقه عملکرد مدیران و تجربیات قبلی آن‌ها برای این ارزیابی استفاده کنند. در نهایت، پیشنهاد می‌شود که مقایسه شرکت‌ها براساس ساختار سرمایه مورد توجه سرمایه‌گذاران قرار گیرد تا درک بهتری از نحوه تأثیرگذاری این ساختار بر افشای مسئولیت اجتماعی و محافظه‌کاری حسابداری داشته باشند. این مقایسه می‌تواند به شناسایی شرکت‌هایی که در مدیریت بدهی‌ها و حقوق صاحبان سهام موفق‌تر هستند و در نتیجه، اطلاعات مالی دقیق‌تری ارائه می‌دهند، کمک کند.

همچنین به منظور انجام پژوهش‌های آتی پیشنهاد می‌شود تأثیر افشای مسئولیت‌های اجتماعی بر توانایی مدیریتی با توجه به نقش کوتاه‌بینی مدیران نیز توسط پژوهشگران بررسی شود. همچنین، از آنجا که کیفیت حسابرسی می‌تواند در خصوص افشا و گزارشگری مالی شرکت‌ها اطلاعات سودمندی را ارائه دهد، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی این موضوع از طریق اندازه‌گیری سطح مدیریت سود شرکت‌ها مورد توجه پژوهشگران قرار گیرد. در نهایت، چنانچه شرکت‌ها طی دوره موردبررسی تجدید ارزیابی کردند که به‌طور احتمالی نتایج آن می‌تواند روی برآورد متغیرهای پژوهش مؤثر باشد، اما این مهم در این پژوهش بررسی نشد و محدودیت پژوهش انجام شده است.

References

- Ahmed, A.S; Billings, B.K; Morton, R.M; & Stanford-Harris, M. (2002). The role of accounting conservatism in mitigating bondholder-shareholder conflicts over dividend policy and in reducing debt costs. *The Accounting Review*, 77(4), 867-890. DOI:10.2308/accr.2002.77.4.867
- Albitar, K; Hussainey, K; Kolade, N; & Gerged, A.M. (2020). ESG disclosure and firm performance before and after IR: The moderating role governance mechanism. *International Journal of Accounting & Information Management*, 28(3): 429- 444.
- Aldoseri, M.M; Albaz, M.M; & Ghali, A.A. (2022). The Managerial Determinants of Accounting Conservatism during COVID-19 Era: Evidence from Saudi Arabia. *Information Sciences Letters*, Vol. 11: 950-957. <https://digitalcommons.aaru.edu.jo/cgi/viewcontent.cgi?article=1382&context=isl>
- Anagnostopoulou, S.C; Tsekrekos, A.E; & Voulgaris, G. (2021). Accounting conservatism and corporate social responsibility. *The British Accounting Review*, 53(4). <https://doi.org/10.1016/j.bar.2020.100942>
- Andreou, P.C; Cooper, I; Louca, C; & Philip, D. (2017). Bank loan loss accounting treatments, credit cycles and crash risk. *The British Accounting Review*, 49(5): 474-492. <https://doi.org/10.1016/j.bar.2017.03.002>
- Arabzadeh, M; Izadinia, N; & Samadi, S. (2021). The Effect of Accounting Conservatism on Macroeconomic Indicator. *Journal of Securities Exchange*, 13(52), 2220-244. (In Persian)
- BahriSales, J; E; Farokhi, (2023). Examining the relationship between conditional conservatism and social responsibility. *Accounting and Management Perspectives Journal*, 6(80), 40-68. (In Persian).
- Ben-Amar, W; & Belgacem, I. (2018). Do socially responsible firms provide more readable disclosures in annual reports? *Corporate Social Responsibility and Environmental Management*, 25(5): 1009-1018. <https://doi.org/10.1002/csr.1517>
- Bose, S; Saha, A; Khan, H. Z; & Islam, S. (2017, December). Non-financial disclosure and market-based firm performance: The initiation of financial inclusion. *Journal of Contemporary Accounting & Economics*, 13(3): 263-281. <https://doi.org/10.1016/j.jcae.2017.09.006>
- Burke, Q.L; Chen, P-C; & Lobo, G.J. (2020). Is corporate social responsibility performance related to conditional accounting conservatism? *Accounting Horizons*, 34(2). <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.3533409>
- Carrol, A.B. (1979). A Tree-dimensional Conceptual Model of Corporate Social Performance. *The Academy of Management Review*, 4(4): 497-505. <https://doi.org/10.2307/257850>

- Chen, Y; Podolski, E.J; Rhee, S.G; & Veeraraghavan, M. (2017). Do progressive social norms affect economic outcomes? Evidence from corporate takeovers. *Journal of empirical finance, Elsevier*, 41(C): 76-95. DOI: 10.1016/j.jempfin.2017.01.003
- Cheng, B; Ioannou, I; & Serafeim, G. (2014). Corporate social responsibility and access to finance. *Strategic Management Journal*, 35(1): 1-23. <https://doi.org/10.1002/smj.2131>
- Cheng, C.L; & Kung, F.H. (2016). The effects of mandatory corporate social responsibility policy on accounting conservatism. *Review of Accounting and Finance*, 15(1): 2-22. <https://doi.org/10.1108/RAF-12-2014-0135>.
- Didar, H; & K. Beiki, (2017). Reviewing the Effect of Corporate Governance Quality on Relationship between Capital Structure and Additional Return on Companies Listed in Tehran Stock Exchange. *Accounting and Auditing Review*, 24(2), 197-220. (In Persian).
- Do, T.K; Huang, H.H; & Lo, T-C. (2023). Does corporate social responsibility affect leverage adjustments? *Review of Quantitative Finance and Accounting*, 60(4): 1569-1604. DOI: 10.1007/s11156-023-01141-8
- Donovan, J; Frankel, R.M; & Martin, X. (2015). Accounting conservatism and creditor recovery rate. *The Accounting Review*, 90(6): 2267-2303. DOI: 10.2308/accr-51045
- Eccles, R.G; Ioannou, I; & Serafeim, G. (2012). *The Impact of a corporate culture of sustainability on corporate behaviour and performance (working paper)*. Harvard Business School, Cambridge. https://www.nber.org/system/files/working_papers/w17950/revisions/w17950.rev0.pdf
- Francis, R; Harrast, S.A; Mattingly, J.E; & Olsen, L. (2013). The relation between accounting conservatism and corporate social performance: An empirical investigation. *Business and Society Review*, 118(2): 193-222. DOI:10.1111/basr.12008
- Frieder, L; & Martell, R. (2006). *On capital structure and the liquidity of a firm's stock*. Available at SSRN 880421.
- Ganji, H; M; Jahandost, H; Nasirifard, & S; VeysiHesar, (2021). The effect of political relations with the government on the relationship between social responsibility and accounting conservatism. *Accounting and social benefits*, 11(4), 91-122. (In Persian).
- Garanina, T; & Kim, O. (2023). The relationship between CSR disclosure and accounting conservatism: The role of state ownership. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*. Vol. 60. <https://doi.org/10.1016/j.intaccaudtax.2023.100522>

- Haider, I; Singh, H; & Sultana, N. (2021). Managerial ability and accounting conservatism. *Journal of Contemporary Accounting & Economics Elsevier*, 17(1): 100242. DOI: 10.1016/j.jcae.2020.100242
- Hung, D.N; & Dang, N.H.; Tran, M.D. (2020). Impact of financial leverage on accounting conservatism application: the case of Vietnam. *Custos e Agronegocio*, 16(3): 137-158. https://www.researchgate.net/publication/345578230_Impact_of_financial_leverage_on_accounting_conservatism_application_the_case_of_Vietnam.
- Jensen, M. (2001). Value maximization, stakeholder theory, and the corporate objective function. *Journal of Applied Corporate Finance*, 14(3): 8-21. https://econpapers.repec.org/article/blajacr/v_3a14_3ay_3a2001_3ai_3a3_3ap_3a8-21.htm
- Jones, D.A; Willness, C.R; & Madey, S. (2013). Why are job seekers attracted by corporate social performance? Experimental and field tests of three signal-based mechanisms. *Academy of Management Journal*, 57(2): 383-404. [Http://doi.org/10.5465/amj.2011.0848](http://doi.org/10.5465/amj.2011.0848).
- LaFond, R; & Watts, R.L. (2007). The information role of conservatism. *Available at SSRN*, 83(2): 447-478. <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.921619>
- Lipson, M.L; & Mortal, S. (2009). *Liquidity and capital structure*. *Journal of financial markets*, 12(4): 611-644. https://econpapers.repec.org/article/eeefinmar/v_3a12_3ay_3a2009_3ai_3a4_3ap_3a611-644.htm
- Martinez-Conesa, I; Soto-Acosta, P; & Palacios-Manzano, M. (2017). Corporate social responsibility and its effect on innovation and firm performance: an empirical research in SMEs. *Journal of Cleaner Production*, 142(1): 2374-2383. <https://www.sciencedirect.com/science/article/abs/pii/S0959652616318777>
- Maury, B. (2022). Strategic CSR and firm performance: The role of prospector and growth strategies. *Journal of Economics and Business*, 118, 106031. <https://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S0148619521000497>
- Mishra, D.R. (2014). The dark side of CEO ability: CEO General managerial skills and cost of equity capital. *Journal of Corporate Finance, Elsevier*, 29(C): 390-409. DOI: 10.1016/j.jcorpfin.2014.10.003
- Noor, A; Lahaya, I.A; Kurniawan, I.S; Najat, S; & Hafidz, S.A. (2021). CSR Disclosures: Role and Relationship to Accounting Conservatism in Improving Earnings of Quality. *Journal Keuangan dan Perbankan*, 25(3): 585-598. <https://jurnal.unmer.ac.id/index.php/jkdp/article/view/5030>.
- Noorullahzadeh, N; M; Tashkari, & M.A. GhanbariTafreshi, (2021). Investigating the Conservatism of Accounting and Social Responsibility in Companies Listed on the Tehran Stock Exchange. *Journal of New Research Approaches in Management and Accounting*, 5(68), 95-111. (In Persian).

- Osma, B.G; Garcia-Lara, J.M; & Penalva, F. (2015). Accounting conservatism and firm investment efficiency. *Journal of accounting and economics*, 61(1): 221-238. DOI:10.1016/j.jacceco.2015.07.003
- OstadHasanlo, M. (2023). Analyzing and examining the relationship between social responsibility and accounting conservatism in municipalities. *Specialized Quarterly Journal of New Research Approaches in Management and Accounting*, 7(24), 1230-1238. (In Persian).
- Parsaei, M; H.R; Ganji, Ghadirian, M.H; & M; Amirfar, (2024). Ownership structure, Corporate Social Responsibility and tax avoidance: Evidence from Tehran Stock Exchange. *Journal of Securities Exchange*, 16(Special Issue), 83-108. (In Persian).
- Penalva, F; & Wagenhofer, A. (2019). Conservatism in debt contracting: theory and empirical evidence. *Accounting and Business Research*, 49(6): 619-647. <https://www.tandfonline.com/doi/full/10.1080/00014788.2019.1609899>.
- Purnamasari, D.I; & Tashya, A. (2023). Empirical evidence of managerial ownership, leverage, financial distress, and profitability on accounting conservatism in mining companies listed on the Indonesian Stock Exchange during the period of 2018-2021. *Journal EQUITY*, 26(1): <https://ejournal.upnvj.ac.id/equity/article/view/5566>
- Rezayi, F; & M; Mohammadpour, (2017). The impact of corporate social responsibility on the cost of common stock. *Quarterly Journal of Management and Accounting Studies*, 3(2). (In Persian).
- Rigilads, A; & A; Bazrafshan, (2023). The effect of accounting conservatism on social responsibility disclosure with emphasis on the role of macroeconomic policy uncertainty and financial constraints. *The 8th International Conference on Industry-Oriented Management, Economics and Accounting Studies*, Tehran. (In Persian).
- Ruch, G.W; & Taylor, G. (2015). Accounting conservatism: A review of the literature. *Journal of Accounting Literature*, 34(1): 17-38. <https://fardapaper.ir/mohavaha/uploads/2019/03/Fardapaper-Accounting-conservatism-A-review-of-the-literature.pdf>
- Salehi, M; LariDashtBayaz, M; Hassanpour, S; & Tarighi, H. (2020). The effect of managerial overconfidence on the conditional conservatism and real earnings management. *Journal of Islamic Accounting and Business Research*, 11(3): 708-720. DOI:10.1108/JIABR-03-2017-0030
- Tan, W; Tsang, A; Wang, W; & Zhang, W. (2020). Corporate social responsibility (CSR) disclosure and the choice between bank debt and public debt. *Accounting Horizons*, 34(1): 151-173. <https://doi.org/10.2308/acch-52631>
- Yusnaini, A. M; & Tarmizi, H. B. (2019). The Effect of Financial Distress, Litigation Risk, and Growth Opportunities on Accounting Conservatism with Leverage as Moderating in Manufacturing Companies Listed in Indonesia Stock

Exchange. *International Journal of Public Budgeting, Accounting and Finance*, 2(3): 1-13.

Zhang, J. (2008). The contracting benefits of accounting conservatism to lenders and borrowers. *Journal of accounting and economics*, 45(1): 27-54.
<https://doi.org/10.1016/j.jacceco.2007.06.002>

Zhu, D; & Tan, K.H. (2022). Issues and challenges of CSR practices in textile industry: an empirical study in Suzhou, china. *International Journal of Management and Enterprise*, 5(6): 759-772.
DOI:10.1504/IJMED.2008.021194